

▪ درس دوم بخش اول : جهان ممکنات

□ تعریف مفاهیم سه گانه :

- **ضرورت** : محمول قضایا برای موضوعشان ضروری است .
- **امکان** : محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن است و هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند.
- **امتناع** : برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است.

□ مثال مفاهیم سه گانه :

- **ضرورت** : عدد ۴ زوج است . مثلث سه زاویه دارد. اسب جاندار است
- **امکان** : دیوار خانه ما سفید است. خریزه میوه شیرینی است . هوای جنوب کشور گرم است.
- **امتناع** : عدد هشت فرد است. تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است. مثلث، دایره است.

سوال : نسبت « وجود » و « هستی » به عنوان یک محمول، با موضوع هایش چگونه نسبتی است؟

امکانی ضروری امتناعی

□ دیدگاه ابن سینا درباره ممکن الوجود بودن اشیاء :

- وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی برقرار است . یعنی ذات و ماهیت اشیاء :
- ✓ به گونه ای نیست که حتما باید باشد.
- ✓ به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد.
- ✓ این اشیاء ذاتا می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.

سوال : اگر انسان، گیاه، حیوان و همه چیزهایی که این جهان را تشکیل داده اند، ذاتا و ماهیتا نسبت به وجود حالت « امکان » دارند، چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده اند؟ به عبارت دیگر، چرا « موجود بودن » برای این ماهیات « ضرورت » پیدا کرده است ؟

پاسخ : درست است که رابطه میان « وجود » و « گیاه » یک **رابطه امکانی** است اما اگر گیاه موجود شد، معلوم می شود که رابطه ضرورت میان وجود و گیاه برقرار شده است؛ یعنی وجود برای گیاه ضرورت پیدا کرده است.

سوال : چرا انسان، گیاه، حیوان و سایر اشیاء که نسبت به وجود رابطه امکانی داشته اند، از این رابطه خارج شده اند و وجود برای آنها ضروری شده است و موجود شده اند؟

□ دیدگاه ابن سینا :

- درست است. نمی شود که چیزی ذاتا نسبت به وجود حالت امکانی داشته باشد و ممکن الوجود باشد و خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد و موجود شود.
- به عبارت دیگر، این اشیاء، که ذاتا ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و چون ماهیتا واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. پس همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند. به عبارت دیگر « واجب الوجود بالغیر » هستند.
- اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتا ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین، اشیای جهان « واجب الوجود بالغیر » هستند
- واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.
- بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می دارد.

□ اقسام واجب از منظر ابن سینا :

- واجب الوجود بالذات : ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.
- واجب الوجود بالغیر: چون ماهیتا واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند.

□ پیام اصلی ابن سینا و پیروان او :

موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از « واجب الوجود بالذات » نشئت گرفته اند.

□ نگاهی به تاریخچه برهان وجوب و امکان :

- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را « برهان وجوب و امکان » نامیده اند .
- توماس آکوئیناس، که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت کرده است، برهان وجوب و امکان را در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.
- در جهان اسلام نیز فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از برهان وجوب و امکان استفاده کرده اند.
- ملاصدرا و صدرائیان برهان وجوب و امکان ابن سینا را ارتقا بخشیدند و علاوه بر همین بیان، از بیان قوی تری که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند.
- ملاصدرا می گوید، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند؛ در میان این موجودات، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد.
- ملاصدرا « وابستگی » و « فقر وجودی » را « امکان فقری » نامید تا آن را از « امکان ماهوی » ابن سینا جدا کند.
- ملاصدرا می گوید، این فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می کنیم، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است . آن غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

□ اقسام واجب از منظر ملاصدرا :

از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است:

- وجود بی نیاز و غیروابسته
- وجودهای نیازمند و وابسته

طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.

ملاصدرا می گوید:

درون مغز او روشن چراغی است	به هر جا دانه ای در باغ و راغی است
و گرنه هیچ ذره نیست بی نور	بود نامحرمان را چشم و دل کور
که چون خورشید یابی جمله ذرات	بخوان تو آیه نور السموات
یکی نوری است تابان گشته، زان پاک	که تا دانی که در هر ذره خاک

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- ابن سینا، برهان وجوب و امکان را برهان صدیقین نامیده است .
- کلمه صدیقین با الهام از آیات قرآن کریم و مقام صدیقین در قرآن بوده است.
- دستگاه فلسفی ملاصدرا که به حکمت متعالیه مشهور است، مبتنی بر اصل اصالت وجود و وحدت تشکیکی وجود است .